



عکس: President.ir

# تولد آرامش از دل طوفان

## چگونه محمد شیاع سودانی توانست تنش‌ها و بحران‌های عراق را مدیریت کند و کشور را در مسیر توسعه قرار دهد؟

عضو اطار تنسیقی تحت حمایت ایران در انتخاب نخست‌وزیر و رئیس‌جمهوری تعجیل کرده‌اند و این اقدام باعث تشدید تنش‌های سیاسی در عراق خواهد شد. اما به نظر می‌رسد محمد شیاع سودانی، برخلاف تمام پیش‌بینی‌ها توانست دوران پایداری را در عراق ایجاد کند. سودانی یک تفاوت عمده با تمام نخست‌وزیران پیش از خود از زمان سقوط صدام حسین داشت: او برخلاف اسلاف خود در دوران صدام حسین از عراق خارج نشده بود و فعالیت سیاسی خود را در واشنگتن، لندن یا تهران ادامه نداده بود. سودانی یک بوروکرات عراقی و آشنا با زیر و بم سیاست در عراق است. البته روشن است که تمام توفیق‌های سودانی در دو سال گذشته، محصول عملکرد او نبود. پروژه‌های بندر بزرگ فلو و جاده توسعه، از دوره‌های پیشین آغاز شده بود، فرآیند گفت‌وگو با اربیل و آنکارا و ساز و کار همکاری عربی با مصر و اردن و تلاش برای بهبود روابط با عربستان سعودی و کشورهای جنوب خلیج فارس از دوره‌های قبلی در جریان بود. کناره‌گیری مقتدی صدر، به‌عنوان یک سیاستمدار هیجانی و غیرقابل پیش‌بینی، از سیاست هم در آرامش اوضاع در عراق بی‌تأثیر نبود. علاوه بر اینها با شکست ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ و تمایل دولت بایدن برای کاهش تنش با ایران باعث شد تا نزد و خورد‌های گاه و بیگاه میان ایران و آمریکا در خاک عراق به شکل چشمگیری کاهش پیدا کند. مسعود پزشکیان در حالی به عراق سفر کرد که عراق همچنان یکی از اصلی‌ترین واردکنندگان کالاهای غیرنفتی ایران در منطقه محسوب می‌شود و انتظار می‌رود که حجم صادرات ایران به عراق، امسال به بالای ۱۰ میلیارد دلار برسد. هرچند به نظر می‌رسد با

شده، کسی تصور نمی‌کرد که دوران نخست‌وزیری او دوام چندانی داشته‌باشد، چراکه انتخاب سودانی محصول یک سال دعوای نامشده‌ی جناح‌های سیاسی عراق بود. بعد از برگزاری انتخابات ۱۴۰۰ عراق که جریان صدر توانست با کسب بیشترین کرسی‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین فرانسویون پارلمان برگزیده‌شود، مقتدی صدر، رهبر بانفوذ شیعیان معتقد بود که جریان او مستحق معرفی نخست‌وزیری حزبی است. اما این ایده صدر با موافقت دیگر گروه‌های شیعی که در ساختار حکومت طایفه‌ای عراق جایگاه نخست‌وزیری را در اختیار دارند، پذیرفته نشد. اطار تنسیقی یا چارچوب هماهنگی احزاب شیعی عراق که ساز و کار هماهنگی همه احزاب شیعه به جز جریان صدر بود، انتظار داشت که مانند نخست‌وزیران پیشین، این بار هم نخست‌وزیر عراق به صورت اجماعی انتخاب شود. اختلاف میان جریان صدر و اطار تنسیقی هرگز حل نشد و نهایتاً مقتدی صدر به نمایندگان حامی خود دستور داد تا از نمایندگی پارلمان استعفا دهند. او سپس تلاش کرد تا از طریق دستگاه قضایی برای انحلال پارلمان و تکرار انتخابات اقدام کند و بعد از ناموفق ماندن این اقدام، هوادارانش پارلمان و منطقه سبز بغداد را تصرف کردند. نهایتاً صدر که در رسیدن به هدفش برای معرفی نخست‌وزیر حزبی ناکام مانده بود، اعلام کرد برای همیشه از سیاست کناره‌گیری می‌کند. انتخابات ۱۴۰۰ رویه‌ای متفاوت از انتخابات‌های پیشین به جا گذاشت، نه رئیس مجلس از میان اهل سنت، نه رئیس‌جمهور از میان کردها و نه نخست‌وزیر از میان شیعیان با اجماع میان همه گروه‌ها انتخاب نشدند. تحلیل‌گران در آن دوران معتقد بودند که گروه‌های شیعی

قرار داده‌است. تغییر نگرش عربستان باعث شده‌است که اثرگذاری ریاض در مسائل داخلی عراق و همچنین روابط دو کشور دچار تحول جدی شود. مثال دیگر سیاست خارجی ترکیه است. هرچند برخی اقدام‌های نظامی و توسل به زور در مناطق شمالی عراق توسط ترکیه همچنان استمرار دارد، اما نگاه ترکیه به توسعه همکاری‌های اقتصادی با عراق جلب شده‌است. ترکیه اخیراً علاقه زیادی به پیوستن به کریدور «جاده توسعه» برای اتصال به بندر بصره و بندر فلو از آن طریق به خلیج فارس، قطر و امارات نشان داده‌است. ترکیه هم اولویت‌های سیاست خارجی خود را در سال‌های اخیر تغییر داده‌است و تلاش می‌کند مسیر همکاری با عراق و کشورهای جنوب خلیج فارس را در پیش بگیرد و برخی سیاست‌های تقابلی پیشین را کنار بگذارد.

در مجموع می‌توان گفت تقابل‌های منطقه‌ای که به‌خصوص به دلیل بحران داخلی سوریه پدید آمده‌بود، تا حد زیادی فروکش کرده و این باعث شده‌است که شرایط منطقه به سمت یک موازنه جدید حرکت کند. در عرصه بین‌المللی بازیگران دیگر هم تلاش می‌کنند ماهیت همکاری خود را با کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه تغییر دهند. چین و روسیه بیش از پیش وارد همکاری‌های اقتصادی در منطقه شده‌اند و منافع بیشتری در منطقه دارند. تحول دیدگاه کشورهای منطقه و افزایش منافع اقتصادی قدرت‌های جهانی باعث شده‌است که چشم‌انداز اقتصادی منطقه خاورمیانه ارتقا پیدا کند و دیدگاه‌های اقتصادی جایگزین دیدگاه‌های امنیتی شود. این تحولات اثر چشمگیری بر سیاست داخلی و خارجی عراق بر جا گذاشته‌است. این تحولات باعث افزایش ثبات و آرامش در عراق شده که در نهایت رضایت نسبی در بین جریان‌های سیاسی از عملکرد دولت سودانی ایجاد کرده‌است. چالش‌هایی که در گذشته باعث اخلال در مسیر حکمرانی در عراق می‌شد و اعتراض‌های گسترده داخلی را در کنار ناامنی‌های

کامل قرار نگرفته‌است، اما تغییراتی که در سیاست خارجی عراق ایجاد شد، باعث حرکت به سمت تقویت همکاری‌ها و روابط منطقه‌ای شد. در این دوران بغداد نگاه خود را به رابطه با کشورهای عربی متحول کرده‌است و نوع نگاهش را به رابطه با ترکیه تغییر داده‌است. به نظر می‌رسد که عراق توانسته‌است در این دوران در سیاست خارجی خودش توازن ایجاد کند، دسته دوم عوامل را می‌توان در عوامل ثبات‌ساز منطقه‌ای مشاهده کرد. نوع نگاه همسایگان عراق به روند تحولات این کشور تغییر کرده‌است و تغییر برخی اولویت‌های سیاست‌های خارجی قدرت‌های اثرگذار منطقه‌ای بر مسائل عراق مؤثر بود. برای مثال در دو سال گذشته شاهد تحولات مهمی در سیاست خارجی عربستان سعودی و کشورهای جنوب خلیج فارس بودیم. سیاست خارجی این کشورها در مسیر نوعی همکاری منطقه‌ای حرکت کرده‌است. در عربستان سعودی، تغییر نگاه بن‌سلمان و تلاش او برای تنظیم سیاست خارجی با هدف کمک به اهداف اقتصادی و توسعه‌ای عربستان سعودی در چارچوب برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ از عملکرد منطقه‌ای ریاض مؤثر بود. ریاض تلاش کرده‌است تا چهره متفاوتی را از عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه عرضه کند و محمد بن سلمان در دو سال گذشته از سیاست‌های بحران‌آفرین و چالش‌زای گذشته‌اش کوتاه آمده‌است و روابط خود را با کشورهای منطقه بهبود بخشیده و حتی در مورد ایران و ترکیه اقدام به عادی‌سازی روابط دیپلماتیک کرده‌است و عربستان سعودی را در مسیر جذب سرمایه‌های خارجی و وارد کردن در مسیر توسعه



شهاب شهبازی

خبرنگار گروه دیپلماسی

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور اسلامی ایران، در حالی چهارشنبه هفته گذشته در نخستین سفر خارجی خود به عراق سفر کرد که بغداد کمتر از یک ماه پیش مانند سال‌های گذشته میزبان میلیون‌ها زائر ایرانی بود. اما عراق در سال جاری چهره‌ای متفاوت از سال‌های گذشته دارد، تنش‌های گسترده سیاسی در این کشور به شکل قابل توجهی کاهش یافته‌است، امنیت نسبی در این کشور برقرار است، مشکلات در مرزهای غربی و شرقی کمتر شده‌است و حتی حملات گاه و بیگاه ترکیه در شمال نیز نسبت به گذشته کمتر شده‌اند؛ تفاهم‌های ایران و آمریکا باعث شده‌است که حملات پراکنده گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت ایران به پایگاه‌ها و نیروهای آمریکا و واکنش‌های آمریکایی متوقف شود. پروژه‌های عظیم اقتصادی در عراق از جمله پروژه‌های بلندپروازانه بندر بزرگ فلو و جاده توسعه با سرعت در حال پیشرفت هستند. حجم تجارت خارجی با کشورهای عربی روز به روز افزایش پیدا می‌کند و اختلاف‌ها میان بغداد و اربیل نسبت به گذشته کمتر در مرکز توجه قرار دارند. تازه‌ترین توفیق سودانی اعلام پایان مأموریت نیروهای خارجی در عراق و خروج نیروهای آمریکایی از این کشور تا پایان سال ۲۰۲۶ است که در روز پیش اعلام شد. دو سال پیش زمانی که سودانی به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب

**دو سال پیش زمانی که سودانی به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد، کسی تصور نمی‌کرد که دوران چندانی داشته‌باشد، چراکه انتخاب سودانی محصول یک سال دعوای نامشده‌ی جناح‌های سیاسی عراق بود. بعد از برگزاری انتخابات ۱۴۰۰ عراق که جریان صدر توانست با کسب بیشترین کرسی‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین فرانسویون پارلمان برگزیده‌شود، مقتدی صدر، رهبر بانفوذ شیعیان معتقد بود که جریان او مستحق معرفی نخست‌وزیری حزبی است. اما این ایده صدر با موافقت دیگر گروه‌های شیعی که در ساختار حکومت طایفه‌ای عراق جایگاه نخست‌وزیری را در اختیار دارند، پذیرفته نشد. اطار تنسیقی یا چارچوب هماهنگی احزاب شیعی عراق که ساز و کار هماهنگی همه احزاب شیعه به جز جریان صدر بود، انتظار داشت که مانند نخست‌وزیران پیشین، این بار هم نخست‌وزیر عراق به صورت اجماعی انتخاب شود. اختلاف میان جریان صدر و اطار تنسیقی هرگز حل نشد و نهایتاً مقتدی صدر به نمایندگان حامی خود دستور داد تا از نمایندگی پارلمان استعفا دهند. او سپس تلاش کرد تا از طریق دستگاه قضایی برای انحلال پارلمان و تکرار انتخابات اقدام کند و بعد از ناموفق ماندن این اقدام، هوادارانش پارلمان و منطقه سبز بغداد را تصرف کردند. نهایتاً صدر که در رسیدن به هدفش برای معرفی نخست‌وزیر حزبی ناکام مانده بود، اعلام کرد برای همیشه از سیاست کناره‌گیری می‌کند. انتخابات ۱۴۰۰ رویه‌ای متفاوت از انتخابات‌های پیشین به جا گذاشت، نه رئیس مجلس از میان اهل سنت، نه رئیس‌جمهور از میان کردها و نه نخست‌وزیر از میان شیعیان با اجماع میان همه گروه‌ها انتخاب نشدند. تحلیل‌گران در آن دوران معتقد بودند که گروه‌های شیعی**

**عراق بود**

## توازن در سیاست سودانی



سیامک کاکائی

تحلیل‌گر مسائل عراق

عراق در دو سال اخیر تحت تأثیر مجموعه شرایط داخلی و منطقه‌ای به ثبات نسبی رسیده‌است. این دوره ثبات با دوران نخست‌وزیری محمد شیاع سودانی هم‌زمان شده‌است. این هم‌زمانی دو دسته عامل بنیادین دارد. دسته نخست را می‌توان عوامل داخلی دانست. در نگاه نخست احزاب، طوایف و گروه‌های سیاسی تا حدود زیادی تلاش کرده‌اند از کشمکش‌های جناحی اجتناب کنند. در طول این دوران کمتر شاهد ایجاد چالش و معارضه از سوی برخی گروه‌ها مانند جریان صدر بودیم. آغاز به کار دولت سودانی با کناره‌گیری صدر از سیاست همراه شد و جریان صدر در این مدت مستقیماً درگیر فعالیت‌های سیاسی در عراق نبود. به نظر می‌رسد دیگر جریان‌های سیاسی عراق از جمله کردها، گروه‌های اهل سنت و جریان‌های شیعی که حامی سودانی بودند، دوره جدید را آغاز کردند. از جمله دلایل آغاز این عصر جدید عبور عراق از بحران‌های عمیق امنیت داخلی و گذار به ایجاد دولتی بود که بتواند فراتر از جناح‌بندی‌ها در مسیر بهبود شرایط داخلی حرکت کند. با اینکه عراق هنوز در مسیر بازسازی

نگاه  
تحلیلگر  
۱

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

Newsweek

جنگ با ایران  
بدترین گزینه است

آیا آمریکا باید علیه ایران اقدام نظامی کند؟ ممکن است این سوال بی‌مقدمه و بدون زمینه‌پیشین به نظر برسد اما هر زمان که در خاورمیانه اتفاق وحشتناکی رخ می‌دهد، این سوال مطرح می‌شود. برخی از قانونگذاران کنگره آمریکا سابقه دفاع از ابزار زور را دارند. دو روز پس از حمله حماس به اسرائیل، سناتور جمهوریخواه، در یک برنامه تلویزیونی به جو بایدن توصیه کرد که ضربه سختی را به تهران وارد آورد. وی گفت: اگر این درگیری تشدید شود، اگر گروه‌ها کشته شوند، اگر حزب‌الله در شمال با قدرت به اسرائیل حمله کند، باید به ایران بگوئیم که پالایشگاه‌های نفت و زیرساخت‌های نفتی شمارا نابود خواهیم کرد. گراهام سناتور این توصیه را در ۲۵ اوت تکرار و استدلال کرد که این بهترین راه است تا ایرانی‌ها مجبور شوند حماس را وادار کنند تا گروه‌ها را آزاد کند. برخی دیگر نوشته‌اند که ایالات متحده باید به ایران اولتیماتوم بدهد و در صورت امتناع ایران کارزار نظامی را دنبال کند. با این حال، اقدام نظامی ایالات متحده علیه ایران تبعات درجه اول و دوم خواهد داشت که هیچ‌کدام مثبت نخواهند بود. اولاً، مشخص نیست که تهدید ایران به اقدام نظامی برای بازگرداندن حدود ۹۷ میلیارد دلار غزه به آغوش خانواده‌هایشان کمک زیادی می‌کند. درست است که تهران تا حدودی بر حماس نفوذ دارد اما، این نیز درست است که حماس از منابع دیگر پول بیشتری به دست می‌آورد. به هر حال، حماس بیش از یک دهه یک دولت واقعی در غزه بود، در تمام این مدت قدرت انحصاری را در داخل منطقه محصور فلسطین در اختیار داشت و قادر بود تونل‌های قاچاق را که اسلحه و کالاهای اساسی را وارد نوار غزه می‌کرد، کنترل کند. به طور خلاصه، ایران اهرم فشار اندکی بر روی حماس دارد و حتی اگر ایران حماس را برای آزادی گروه‌ها تحت فشار قرار دهد مطمئن نیست که یحیی سنوار، رهبر حماس تسلیم خواهد شد. ثانیاً، اقدام نظامی ایالات متحده امری دشوار خواهد بود؛ نه به این دلیل که ارتش ایالات متحده قادر به اجرای چنین مأموریتی نیست، بلکه به این دلیل که این عملیات تبعات زیادی دارد. بسته به دامنه و مقیاس عملیات، ایالات متحده باید از ده‌ها هواپیمای جنگنده و بمب‌افکن، مجموعه‌ای از باتری‌های دفاع هوایی مستقر در خاورمیانه برای سرنگونی موشک‌هایی که تهران در تلافی شلیک می‌کند، استفاده کند. تهران که در منطقه مستقر است، اهداف زیادی برای انتخاب دارد و همچنین ده‌ها شناساوری نیروی دریایی، چه سطحی و چه زیرآبی، برای جلوگیری از واکنش بزرگ‌تر ایران و اطمینان از پوشش کافی ایالات متحده برای دفاع از پایگاه‌های خود در خلیج فارس مورد نیاز است و ایالات متحده احتمالاً این دارایی‌ها را برای ماه‌ها در خاورمیانه نگه می‌دارد و سایر فرماندهی‌های رزمی ایالات متحده مانند اقیانوس هند و اقیانوس آرام را مجبور می‌کند تا هزینه‌های خود را کاهش دهند. اقدام نظامی آمریکا در داخل ایران چه دستاوردی خواهد داشت؟ اگر برای نابودی برنامه هسته‌ای ایران طراحی شده باشد، همه‌بمب‌های دنیا این کار را نمی‌کنند. مطمئناً تأسیسات غنی‌سازی، سانتریفیوژها، کارخانه‌های تولید و ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایرانی‌ها در طول سال‌ها از بین خواهند رفت. اما دانشی که دانشمندان هسته‌ای ایران در سه دهه گذشته به دست آورده‌اند، همچنان وجود خواهد داشت. آیا این اقدام نسبت به وضعیت فعلی که در آن آژانس حداقل تصویری از برنامه هسته‌ای ایران دارد، ارجح است؟ اگر ایران تسلیحات هسته‌ای داشت، آمریکایی‌ها حداقل قبل از انداختن بمب در خاک ایران بیشتر فکر می‌کردند. این یک فرض منطقی خواهد بود. ایالات متحده هرگز به قدرتی که سلاح هسته‌ای در اختیار داشته، حمله نکرده‌است. دلایل هم ساده‌است. این کار می‌تواند یک ماریج‌تنش را ایجاد کرده و کار می‌تواند به راحتی از کنترل خارج شود. به‌رغم برخورداری ایران از ذخایر فرایند اورانیوم ۶۰ درصدی غنی‌شده و نصب سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر، ارزیابی ایالات متحده همچنان این است که ایران هنوز تصمیمی برای برنامه تسلیحات هسته‌ای و ساخت یک بمب هسته‌ای واقعی نگرفته‌است. جنگ با ایران محاسبات امنیتی تهران را به شدت تغییر خواهد داد.